



این روزها تنور مناقشات تحریم و مشارکت در انتخابات داغ شده است. برخی مردمان هم احساس می کنند «در لحظه خطر کنونی» به سر می برند و خود را به آب و آتش بزنند تا حرفشان به کرسی بنشیند و از این طریق به زعم خویش مردمان را از رفتن به جهنم پرهیز داده و راهی بهشت بکنند. شاید بگویند کدام بهشت؟ کدام جهنم؟ رقابت انتخاباتی که این حرفها را ندارد. بله رقابت انتخاباتی این حرفها را ندارد ولی انگار درباره ما ایرانی ها حق همچنان با مظفرالدین شاه بود که گفت: همه چیز مان باید به همه چیز مان بیاید.

حاشیه نروم. من دلیل این توست و کله هم زدن مردم درباره انتخابات، تا خیلی متوجه نمی شوم. منظورم البته این نیست که چرا عده ای هوادار کاندیدایی هستند و عده ای اصلاً عطا این رقابت را به لقاییش بخشیده اند. نه، آنکه حق مسلم شهروندی هر ایرانی است که هر طور دلش خواست اقدام کند و تبعاتش را نیز ببپذیرد. مشکل من این است که چرا دعوا را ناموسی و حیثیتی می کنیم؟ من و شما ممکن است درباره خیلی چیزها در این جهان اختلاف نظر داشته باشیم. بسیار خوب، قرار است سر این تفاوتها سر هم را ببریم؟ یا بدتر از آن روان، شخصیت و هویت مخالفان را لگدمال کنیم؟ عقل سلیم می گوید نه، قدیمی ترهای خودمان می گفتند: «عیسی به دین خود، موسی به دین خود». تهه ماجرا، از یک صبح تا شب انتخاباتی هست و دور روز بعد هم برنده مشخص می شود.

شاید بگویند ای بابا. اینجوری که خیلی بی نمک شد. بله می پذیرم ایرادات را و می گویم حالا اگر هم نمک سیاست را کری و شاعر و شوق و امثالهم بدانیم، باور کنید ملاتش اینها نیست. بنیاد سیاست البته به قول آرنست، گفتگو و کنش، سخن و عمل است. گفتگو اما ترتیب و آدابی دارد. اگر من کوچکترین حقی برای طرف مقابلم قائل نیستم و نادان و مفت خور، خائن و لاشخور، اصلی ترین کلماتی هستند که در حقیش به کار می برم، خوب طرف مقابل هم شاید مدتی سکوت کند، اما همانطور که زندان بهترین دردها را تربیت می کند، بعد از مدتی چهار تا ناسزا یاد می گیرد و فکر می کند که اگر جواب شما را ندهد، ملت احساس می کنند زبان ندارد. نتیجه می شود همین لیچاهاهایی که ملت سر خوشانه در فضای مجازی بار هم می کنند. می نازیم که ما را چه شده است که مدعیان فضل و ادب نیز از نوشتن دو خط توبیت سالم و مؤدب عاجز مانده اند.

باز شاید بگویند ای آقا، تو خیلی ژبگویی. سیاست بدون سستی که نمی شود. باز موافقم، هر چند واقعاً ژبگویی نیستیم. نکته ای را اما در تکمیل نقد شما باید بنویسم: سیاست یعنی ستیز و سازش بهنگام. به وقتش بجنب، به وقتش صلح کن. در هر دو حالت اما جوری بجنب و جوری صلح کن که نابود نشوی. اصلاً اگر قرار بود تمام مشکلات بشر را با جنگ و خونریزی حل و فصل کنند، الان نسل بشر به پایان رسیده بود. سیاست آمده و در طول تاریخ تکامل پیدا کرده که بدون اینکه خون از دماغ کسی بریزد، مسائل حل بشوند و مهمترین ابزار هم که در سیاست وجود دارد، همین گفتگو و بعد صندوق رأی است.

اختلاف ما آدمها یا ناشی از تفاوت باورهاست یا تفاوت منافع. با گفتگو حل شد که فیهالمراد، نند دیگر داد و بیداد که نداریم. صبح روز جمعه یا در هر جایی جزو شعبه های اخذ رأی دیده خواهیم شد یا در صفهای انتخاباتی. شد آنچه می خواستیم، شادی می کنیم؛ نشد هم که به عزانمی نشینیم. باور کنید هیچ آخرا زمانی فردای روز انتخابات در کار نیست. بله میان پیامدهای انتخابهای سیاسی ما تفاوت وجود دارد و تردیدی هم نیست که با مابینگی که راهی مشاهده است، نمی شود رفت تریز. اما به هر حال آدمی به قول ابراهیم گلستان کارساز است. دور برگردانی می جوید و راهش را پیدا می کند. فرق معامله البته هزینه و وقتی است که باید بپردازد. با این همه هیچ کاهش هزینه ای نمی تواند توجیه گر توهین به آدمهای متفاوت دوروبرمان باشد.

ما ایرانیان در این سالها کم ضرر نداده ایم. نگاهی به بورس در این مملکت بیاندازید. خیلی از این هزینه ها هم ناشی از خطاهای خودمان بوده است. با این همه عموم ما ترجیح می دهیم فحش هایمان را سر چهارراه سیاست خرج کنیم. ایرادی ندارد اما واقعاً آش را شور نکنیم. دریافت زیاد نمک، بدن را مبتلا به دهها بیماری می کند. سیاست نمکی هم جامعه را به زوال می برد. اگر با هم سخن گفتیم و راهی برای حل مشکلات ایران و ایرانیان جستیم، برده ایم، وگرنه افزایش فشار خون این مملکت کارمان را به سکنه قلبی می رساند. آنگاه حتی شاید ناگهان همه چیز هم پایان نیاید، اما کم کم، کم خواهیم شد. تمام خواهیم شد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزید آبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروهها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۵۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: همیمن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



کاهش نابرابری و پر کردن شکاف های اجتماعی نخستین دانش پذیران کاریز آروان کلاد فارغ التحصیل شدند



امیرا حسینی
خبرنگار گروه فناوری

بسیاری از طرح هایی که عنوان «مسئولیت اجتماعی» را یدک می کنند، مقطعی و کوتاه هستند؛ زیرا سازماندهی و مدیریت این طرح در بازه های زمانی طولانی کاری دشوار به نظر می رسد و کمتر موفقیت در آن حاصل می شود، اما ناگفته نپیدا که نتایج طرح هایی که اهداف میان مدت و بلندمدت دارند، تا چه اندازه می توانند اثرگذار باشند و اثرات آنها تا چه اندازه عمیق تر خواهد بود. یکی از این طرح ها که از ابتدا با نگاهی بلندمدت کار خود را آغاز کرده، طرح مسئولیت اجتماعی «کاریز» است که شرکت آروان کلاد آن را آغاز کرده و پیگیری می کند. این طرح علاوه بر اینکه برای جامعه در برگیری دارد و به یکی از مشکلات اساسی آن می پردازد، رابطه نزدیکی نیز با نوع فعالیت این شرکت دارد. آروان کلاد در «کاریز» با آموزش تخصصی جمعی از نوجوانان در مناطق کمبرخوردار تلاش کرده تا ضمن گشودن مسیرهای شغلی جدیدی پیش روی این افراد، از توان و استعدادشان برای فعالیت در اکوسیستم نوآوری کشور بهره بگیرد. از آنجا که این آموزش ها به شکل آنلاین رخ داده، این امکان را فراهم کرده تا افرادی از دورترین مناطق نیز بتوانند از آموزش های تخصصی بهره مند شوند. ضمن اینکه منتورها و اساتیدی از شهرهای گوناگون این امکان را داشتند که بچه ها را در این مسیر یاری کنند.

چرا کاریز؟

عدم دسترسی به امکانات آموزشی در مناطق دور از مرکز و در مکان هایی که سطح درآمدی افراد اجازه هزینه کردن برای آموزش های تخصصی را نمی دهد، سبب می شود تا سطح اجتماعی و درآمدی نوجوانان در این مناطق در آینده تغییر چندانی به خود نیندند. طبق پژوهش هایی که برخی جامعه شناسان و روان شناسان روی جامعه آمریکا انجام داده اند، در چند دهه اخیر میزان مرگ و میر در سال های جوانی و میانسالانی در میان کسانی که حداقل مدرک کارشناسی نداشته اند، بیشتر بوده است؛ مرگ هایی که بر اثر سوء مصرف الکل و موادمخدر و خودکشی روی داده اند. کارشناسان با بررسی عمیق تر این موضوع دریافته اند، یکی از مهم ترین عواملی که سبب ساز این گونه مرگ ها در سال های جوانی این قشر می شود، عدم دسترسی این افراد به مشاغل سطح بالاست. آنها معمولاً در کارهای سطح پایین مشغول به کار می شوند؛ مشاغلی که با توجه به دیجیتالی شدن فعالیت ها روز به روز از ارزش و میزان نیاز به آنها کاسته می شود و به همین نسبت درآمد های بسیار پایینی نسبت به فعالیت های تخصصی به آنها تعلق می گیرد و همین امر عامل ایجاد احساس ناگامی و ناامیدی در افراد و سوق پیدا کردن آنها به الکل و موادمخدر است. هر چند جامعه آمریکا تفاوت های بسیاری با جامعه ایران دارد، اما نمی توان چشم بر این نتیجه گیری بست. تفاوت سطح درآمدی در ایران نیز وجود دارد و عدم دسترسی به امکانات مفید آموزشی می تواند مردم برخی مناطق را نسل اندر نسل به کارهایی با سطح درآمد پایین مشغول کند و آسیب های بسیاری به دنبال داشته باشد؛ آن هم در شرایطی که افزایش میزان مهاجرت نیروهای متخصص در کشور، شرکت های فناوری را با بحران نیروی انسانی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی است که اهمیت طرح هایی چون کاریز بیش از پیش نمایان می شود. کاریز آروان کلاد در زمستان ۱۳۹۹ با هدف توانمندسازی آموزشی نوجوانان و جوانانی راه اندازی شد که دسترسی کمتری به محتوای آموزش تخصصی دارند تا با فرا گرفتن رشته های آی تی و دیجیتال در زمان ورود به بازار کار، فرصت اجتماعی برابری داشته باشند. دانش پذیرانی که تغییر، ساخت و تحقق مسیر آینده شان را از مسیر فناوری دنبال می کنند. در حال حاضر دانش پذیرانی ۱۶ شهر ایران در این طرح توانمندسازی آموزشی حضور دارند.

فارغ التحصیلی اولین گروه دانش پذیران

بعد از چهار سال تلاش و با همکاری مجموعه های آموزشی و سازمان های

مردم نهاد با شرکت آروان کلاد، چندی پیش نخستین گروه از دانش پذیران طرح مسئولیت اجتماعی کاریز با به پایان رساندن کامل دوره های آموزشی، در بهار ۱۴۰۳ فارغ التحصیل شدند. این فارغ التحصیلان از شهرهای زابل، بم، کرمان، میناب، چابهار و مناطق مختلف تهران بودند و طی سه سال گذشته و بنا به انتخاب شان، رشته های برنامه نویسی وب، شبکه، امنیت سایبری، طراحی UI/UX و دیجیتال مارکتینگ را زیر نظر منتورهایی از آروان کلاد و اکوسیستم فناوری کشور فرا گرفتند. در حال حاضر نیمی از ۲۷ فارغ التحصیل کاریز، پس از پایان دوره های آموزشی و پشت سر گذاشتن بوت کمپ، وارد بازار کار شدند و نیمی دیگر آماده ورود به بازار کار هستند. به همین مناسبت آروان کلاد در برنامه های با حضور جمعی از حامیان و منتورهای فارغ التحصیلی این دانش پذیران را جشن گرفت و ضمن آن از مجموعه ها و افرادی که طی این سال ها حامی این مسیر آموزشی بودند، تقدیر کرد. ایلیا وکیلی، نایب رئیس هیئت مدیره و مرشد آروان کلاد در مراسم فارغ التحصیلی دانش پذیران کاریز درباره چرایی این نام و این طرح گفت: «پیش از کشاورزی صنعتی و ناسازگار با زیست بوم عمدتاً خشک ایران، تجربه فرانسوی حفرونگهداری کاریزها منجر به آبدانی جمعی شده بود و توسعه پایدار کشاورزی در ایران را ممکن کرده بود. آروان کلاد هم با الهام از همین ایده، پروژه مسئولیت اجتماعی آموزشی خود را کاریز نام گذاری کرد. به جای حفر چاه های عمیق سرمایه انسانی از طریق کنکور و کوچاندن این استعدادها به تهران یا سایر مراکز استان ها و در نهایت صادر کردن شان در قالب مهاجرت، باید بتوانیم فضای یادگیری و رشد را در گوشه و کنار ایران ایجاد و در نهایت بستری فراهم کنیم که این دانش پذیران خودشان عهده دار آموزش و شکوفایی در زیست بوم خود شوند.» به گزارش دست اندرکاران کاریز، فارغ التحصیلیان کنونی این طرح، همچنین دانش پذیرانی که در سطوح بالاتر آموزشی هستند، با ادامه این مسیر آموزش و نظر زیر آروان کلاد در حال توسعه این بستر آموزشی در مناطق تحت سکونت شان در شهرهای بم، مرودشت و بندر سیریک هستند. هستی شهریزفر، معمار ارتباطات آروان نیز در ادامه این مراسم درباره شیوه اجرای کاریز گفت: «در کاریز، با توجه به شیوه زندگی دانش پذیران مان و با پایداری متناسب، مسیر آموزشی ویژه ای را طراحی و پیاده سازی کردیم. همچنین علاوه بر آموزش دروس تخصصی و فنی، آموزش مهارت های اجتماعی، دادن مسئولیت های اجتماعی در قالب دستیار گروه یا مربی حل تمرین، انجام پروژه های داوطلبانه و تشکیل گروه های دوستی را هم در نظر گرفتیم تا در نهایت دانش پذیران کاریز نه فقط به عنوان یک نیروی متخصص صرف که به مسائل فنی آگاهی پیدا کرده، بلکه با مهارت های اجتماعی بالا، پرورش پیدا کنند.»

همراهان کاریز

در بخشی از مراسم فارغ التحصیلی دانش پذیران کاریز از همراهانی که در این مسیر همراه کاریز بودند، تشکر و قدردانی شد؛ نهادهای اجتماعی انجمن حمایت از کودکان کار در تهران و بم، انجمن یاران دانش و مهر، مؤسسه خیریه پیام امید و ایران من که با معرفی دانش پذیران و همراهی مددکاری در مسیر آموزشی، به استمرار این آموزش کمک کردند، همچنین بانک پاسارگاد، هلدینگ فناپ، فناپ زیرساخت، فناپ تک که در تامین لپتاپها و PC های مورد نیاز این دانش پذیران مشارکت داشتند. به گفته هستی شهریزفر، این مسیر با همراهی منتورهایی از اکوسیستم فناوری ایران و مددکاران بومی این فارغ التحصیلان محقق شده و در ادامه مسیر با همراهی خود دانش پذیران در نقش آموزشی، کاریز به شکلی گسترده تر ادامه پیدا می کند. مؤسسه های مجتمع فنی تهران، رهنما کالج، آکادمی آمانج و مدرسه نزدیک ترین همراهان آموزشی دانش پذیران کاریز بودند. سایر دانش پذیران کاریز که از سال ۱۴۰۱ به این طرح ملحق شده اند، در حال پشت سر گذاشتن مسیر آموزشی شان هستند و در تابستان ۱۴۰۳ دانش پذیران جدیدی از شهرهای اهواز، کرمان، بم، مرودشت، بندر سیریک، قشم و تهران به کاریز خواهند پیوست. به طو کلی میانگین سن دانش پذیران کاریز در حال حاضر ۱۸ سال است. تعداد این افراد ۱۸۵ نفر است که ۸۵ نفر آنها را پسران و ۱۰۰ نفرشان را دخترها تشکیل می دهند. از میان این افراد ۵۵ نفر در حال تحصیل، ۳۴ نفر دانش آموخته، ۱۶ نفر آماده ورود به بازار کار و ۱۳ نفر شاغل هستند.

استاد بی بدیل تارناوی



جلیل شهناز، استاد بی بدیل تارناوی ۲۷ خردادماه سال ۱۳۹۲ بر اثر بیماری و کپولت سن، در ۹۲ سالگی درگذشت اما نام و یاد او همواره در بین اهالی موسیقی به نیکی یاد می شود تا جایی که نامش با القابی چون شهنواز و خداوندگار تارناوی عجین شده است. تسلط جلیل شهناز

بر ردیف بر کسی پوشیده نیست. تسلط او بر ردیف به خصوص در آلبوم های «عطرافشان» و «شهنواز» مشهود است، اما نکته حائز اهمیت در نوازندگی جلیل شهناز جمله بندی های آوازی است تا جایی که محمدرضا شجریان نوازندگی شهناز را به شعر تشبیه می کند، شعری که از چنان انسجام و وحدتی برخوردار است که همواره شنونده را تشنه نگه می دارد. شهناز هنرمندی بسیار مردمی بود و با این که مهارت بسیار زیادی در تارناوی، ردیف آوازی و باده نوازی داشت با خوانندگان بسیاری کار کرد؛ خوانندگانی که تا قبل از همکاری با جلیل شهناز خوانندگان مطرحی نبودند و این نشان از تواضع و فروتنی جلیل شهناز در عین شایستگی های فراوان هنری اوست.

تعریفی نوین از امنیت ملی

کتاب «گرایش های سیاسی در خاورمیانه و امنیت ملی ایران»، نوشته حمید احمدی در ۴۲۱ صفحه و با قیمت ۲۶۰ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شد. پژوهش های موجود پیرامون امنیت ملی ایران، چالش ها و تهدیدات بیرونی فرآوری آن بیشتر تحت تأثیرات مطالعات بین المللی، به ویژه مطالعه تأثیرات استراتژیک و ژئوپلیتیک ناشی از سیاست ابرقدرت ها یا بازیگران منطقه ای بوده است. پژوهش کنونی بر زمینه کمتر شناخته شده اما بسیار مهم دیگر، یعنی تأثیر اندیشه ها و گرایش های سیاسی محیط پیرامونی بر امنیت ملی ایران متمرکز شده است. از آن جا که اندیشه ها و گرایش های



گرایش های سیاسی در خاورمیانه و امنیت ملی ایران نویسنده: حمید احمدی انتشارات: نی

سیاسی در خاورمیانه بر سه محور ناسیونالیسم، چپ مارکسیستی و اسلام گرایی استوار بوده اند، نویسنده نگاه این گرایش ها و جریان ها و دولت های طرفداران آن ها به ایران و تأثیر سیاست های ناشی از این گرایش ها بر امنیت ملی کشور مان را بررسی و تحلیل کرده و ضمن ارائه تعریف فراگیر و نوینی از امنیت ملی ایران، آن را برآیند امنیت سرزمینی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، انسانی و هویتی ایران و مردم ایران قلمداد می کند.

ورود مجسمه آزادی به نیویورک



مجسمه آزادی با ارتفاع ۹۳ متر از زمین، هم یکی از بزرگترین مجسمه های جهان است و هم نماد شهر نیویورک و کشور آمریکا به حساب می آید. ماجرای ساخت این مجسمه به این بازمی گردد که بعد از

فروپاشی دومین امپراطوری فرانسه و روی کار آمدن جمهوری خواهان، به دلیل ثبات سیاسی آمریکا، همچنین نزدیکی ساختار سیاسی این کشور به آنچه جمهوری خواهان فرانسه به دنبال آن بودند، تمایلات سیاسی برای برقراری روابط دوستانه با آمریکا افزایش یافت و با این هدف، دولت فرانسه برای نشان دادن حسن نیت، پیشنهاد ساخت مجسمه آزادی را به دولت آمریکا ارائه کرد. در سال ۱۸۷۵ طبق توافق دوطرفه قرار بر این شد که فرانسه بدنه مجسمه را در فرانسه بسازد و به آمریکا منتقل کند و دولت آمریکا مسئول ساخت و تأمین مالی زیربنا و پایه مجسمه شد. برای ارسال مجسمه آزادی به آمریکا، این تندیس بزرگ به ۳۵۰ بخش تقسیم و در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۸۸۵ (۲۷ خردادماه ۱۲۶۴) به وسیله کشتی به نیویورک فرستاده شد. نصب مجسمه روی پایه آن در جزیره آزادی نیویورک ۴ ماه زمان برد و در نهایت نیز این مجسمه در تاریخ ۲۸ اکتبر سال ۱۸۸۶ رونمایی شد.